

فرا تر از خبر

چرا ناامیدی ایرانیان برای فرزندآوری حتی با «کارت امید» عمیق‌تر می‌شود؟

رادیو فردا

۱۹/مرداد/۱۴۰۵



با وجود سال‌ها سیاست‌گذاری برای افزایش جمعیت در ایران، آمارهای جدید حاکی از تداوم کاهش رشد نرخ جمعیت در کشور است.

چرا با وجود برخی مشوق‌های مالی، جوانان ایرانی به ازدواج و سپس به فرزندآوری اقبال کمتری نشان می‌دهند؟ سهم عوامل مختلف، به ویژه «ناتوانمندی‌سازی نسل جدید زنان» در این میان چه قدر است؟

چرا راه‌حل‌های دولت «کوتاه‌مدت و لحظه‌ای» است؟

مرضیه وحیددستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت، در تازه‌ترین اظهارات خود روند کاهشی نرخ رشد جمعیت در ایران را تأیید کرد. او در گفت‌وگویی با شبکه خبر صداوسیما گفت: «در سال ۱۴۰۴ تعداد رخدادهای تولد به ۸۹۲ هزار و ۲۸۲ مورد رسید که نسبت به سال قبل از آن، ۸.۹ درصد کاهش نشان می‌دهد».

او تأکید کرد که «با یک شیب کاهشی مستمر در آمار تولد مواجهیم».

در این میان، دولت تلاش می‌کند با مشوق‌های مالی، زوجها را به فرزندآوری تشویق کند. در همین چارچوب، دبیر ستاد ملی جمعیت از ایجاد «کارت امید مادر» برای نخستین بار برای همه مادران ایرانی در سراسر کشور خبر داد و اعلام کرد که در صورت تولد فرزندان دوقلو، اعتبار متناسب با تعداد فرزندان پرداخت می‌شود.

به گفته خانم دستجردی، در چارچوب این یارانه مالی دولت، در تیرماه برای بیش از ۲۵۷ هزار مادر به مبلغ ماهانه دو میلیون تومان اعتبار به این کارت واریز شده است.

اما کارشناسان معتقدند که چنین مشوق‌هایی چندان موثر نیست.

اعظم بهرامی، کارشناس حوزه توسعه پایدار، به رادیو فردا می‌گوید: «سیاست جمعیتی ایران، از جمله قانون جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰، که شعار آن هم این بود که جمعیت را جوان کنید و زنان را به فرزندآوری تشویق کنید، در عمل زنان را به یک "ماشین جوجه‌کشی" تبدیل کرد».

او می‌افزاید که طرح‌هایی مانند «کارت امید» یک تشویق مالی «کاملاً بی‌فایده و ناکارآمد» است و نشان می‌دهد عملاً راه‌حل‌هایی که ارائه شده‌اند، همگی کوتاه‌مدت و لحظه‌ای بوده‌اند.

بهرامی می‌گوید: «این سیاست‌ها بدون در نظر گرفتن مجموعه عواملی بوده‌اند که می‌تواند هم به افراد برای تشکیل یک خانواده امید بدهد و هم پس از تشکیل خانواده، امنیت اقتصادی و امنیت آینده‌نگرانه را برای خانواده فراهم کند؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها احساس امنیت کنند و در چنین فضایی بتوانند، نخست به تشکیل خانواده و سپس به بزرگ کردن خانواده فکر کنند».

معضل ازدواج در ایران چیست؟

پیش از بررسی فرزندآوری، باید یادآور شد که مسئله ازدواج در ایران به یک معضل بزرگ تبدیل شده است.

آمارها نشان می‌دهد که ازدواج در ایران طی ۱۵ سال حدود ۵۰ درصد کاهش یافته؛ به طوری که تعداد ازدواج از ۸۹۱ هزار مورد در سال ۱۳۸۹ به حدود ۴۳۱ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ رسیده است.

بنابراین مسئله جمعیت در ایران فقط مسئله «کم شدن تولد» نیست، بلکه به گفته مسئولان، ریشه اصلی بحران در کاهش ازدواج یا بالا رفتن سن ازدواج است.

سعید پیوندی، جامعه‌شناس در پاریس، در پاسخ به این پرسش که آیا سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی با واقعیت اقتصادی و اجتماعی نسل جدید تناسب داشته یا نه، می‌گوید: «سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی در ۱۰-۱۵ سال گذشته، که اتفاقاً آقای خامنه‌ای پدر هم خیلی، خیلی روی آن تأکید داشت و خودش مستقیماً در حقیقت دخالت می‌کرد، بر دو پایه استوار بود. اول، برخی مشوق‌های اقتصادی که در مقابل بحران کاهش قدرت خرید، در واقع کارایی چندان نداشتند یا مبالغه قابل توجهی نبودند؛ و دوم، برخی از محدودیت‌هایی که ایجاد

کرده بود، برای سقط جنین یا چیزهای شبیه همین. این‌ها سیاست‌های بازدارنده بودند، در مقابل سیاست‌های تشویقی که بیشتر اقتصادی بودند».

آنچه کاهش شدید جمعیت را، از جمله، توضیح می‌دهد، تغییرات ذهنیتی و فرهنگی مفاهیمی مثل ازدواج، مسائلی مثل بچه‌دار شدن، پدر بودن، مادر بودن، خانواده داشتن، یا خانواده بزرگ داشتن است که در ذهنیت جامعه عوض شده است.

سعید پیوندی، جامعه‌شناس

این جامعه‌شناس می‌افزاید: «کارهای جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که آنچه دلیل اصلی کاهش جمعیت در ایران هست، شاید تغییرات ذهنیتی و فرهنگی جامعه ایران باشد. نه این‌که بحران اقتصادی، کاهش قدرت خرید، کمبودهای مختلف و این‌ها دلیل کاهش جمعیت نیستند، ولی همه کاهش، یعنی این کاهش شدید جمعیت را توضیح نمی‌دهند».

آقای پیوندی تاکید می‌کند: «آنچه کاهش شدید جمعیت را، از جمله، توضیح می‌دهد، تغییرات ذهنیتی و فرهنگی مفاهیمی مثل ازدواج، مسائلی مثل بچه‌دار شدن، پدر بودن، مادر بودن، خانواده داشتن، یا خانواده بزرگ داشتن است که در ذهنیت جامعه عوض شده است».

او همچنین به پدیده افزایش طلاق نیز اشاره می‌کند که به همان تغییر فرهنگ و ذهنیت بازمی‌گردد: «ما در مقابل هر ۱۰۰ ازدواجی که در سال الان ثبت می‌کنیم، چیزی حدود ۴۰ ازدواج به طلاق منجر می‌شود».

تبلیغات حکومتی تاثیر داشته است؟

مقامات جمهوری اسلامی اکنون در شرایطی از کاهش نرخ رشد جمعیت شکایت دارند که چند دهه پیش، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به یک شعار دولتی تبدیل شده بود. این تبلیغات و شعارها در سال‌های اخیر معکوس شد.

آقای پیوندی تاکید می‌کند که همین تبلیغات حکومتی سال‌های اخیر در تشویق فرزندآوری در کاهش تمایل مردم به این امر موثر بوده است: «الان گفتمان جمهوری اسلامی نزد جامعه و بخش مهمی از جامعه هیچ نوع، در واقع، اثری ندارد. یعنی مردم حتی گاهی مقاومت یا واکنش منفی دارند در مقابل آنچه که حکومت از آن طرفداری می‌کند».

او می‌افزاید: «مثلاً وقتی که مرتب راجع به افزایش جمعیت در رسانه‌های عمومی، در تلویزیون، در سخنرانی‌های عمومی و خود آقای خامنه‌ای دائم در مورد این صحبت می‌کرد و هشدار می‌داد، وقتی این کارها را می‌کنند، اتفاقاً برخی، بخشی از جامعه، دست به مقاومت خاصی یا ناخواسته می‌زنند. این دلزدگی و عدم اعتماد عمیق بین جامعه و حکومت باعث می‌شود که تبلیغات حکومتی هم کارش به جایی نرسد».

سهم عامل «ناتوانمندی‌سازی نسل جدید زنان» چیست؟

عوامل مختلف از جمله تورم و نااطمینانی اقتصادی، مهاجرت و همچنین جنگ، هرکدام سهم متفاوتی در کاهش ازدواج و فرزندآوری در ایران دارند. اما در این میان، کارشناسان به یک عامل مهم دیگر نیز اشاره می‌کنند و آن ناتوانمندی‌سازی نسل جدید زنان در ایران است که موجب شده که ازدواج و فرزندآوری در دیدگاه آنان از اولویت خارج شود.

خانم بهرامی در این زمینه می‌گوید: «سهم زنان در ایران در تولید ناخالص ملی کمتر از ۱۰ تا ۱۴ درصد است. یعنی ما حتی نصف کشوری مثل عربستان سعودی هستیم که زنان در حوزه تحصیلات یا در حوزه فعالیت‌های اجتماعی بسیار کم‌رنگ‌تر از زنان ایران هستند».

او می‌افزاید: «همچنین داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که ایران در حوزه اقتصادی در یک شیب فقر زنانه دارد طی مسیر می‌کند. از طرفی، شما جزو سه کشور ته جدول در تبعیض جنسیتی، شاخص جهانی تبعیض جنسیتی، هستید. به این ترتیب نشان می‌دهد که این انتخاب آگاهانه نسل جدید زنانه، که در یک شرایط این‌چنینی ترجیح می‌دهد و انتخاب می‌کند و اولویت می‌دهد به تثبیت وضعیت زندگی خودش، یعنی تحصیل و اشتغال قبل از ازدواج».

سیاست جمعیتی ایران، از جمله قانون جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰، که شعار آن هم این بود که جمعیت را جوان کنید و زنان را به فرزندآوری تشویق کنید، در عمل زنان را به یک "ماشین جوجه‌کشی" تبدیل کرد.

اعظم بهرامی، کارشناس حوزه توسعه پایدار

این کارشناس حوزه توسعه پایدار تاکید می‌کند: «طبیعتاً وقتی شما ناتوانی مالی را طی یک تبعیض سیستماتیک به زنان تحمیل می‌کنید، و هیچ چشم‌انداز اقتصادی-سیاسی برای زنان ندارید، طبیعی است که آن‌ها به یک برنامه بلندمدت مثل فرزندآوری فکر نمی‌کنند و اساساً برایشان جذابیتی ندارد».

افزایش جمعیت با چه کیفیت زندگی؟

کارشناسان معتقدند که کیفیت پایین زندگی می‌تواند پیامدهای جمعیتی خود را نیز تشدید کند. به عنوان نمونه، خانواده‌هایی که با فشار اقتصادی روبه‌رو هستند، ممکن است فرزندآوری فقر آنان را تشدید کند. بنابراین مسئله جمعیتی ایران فقط نرخ رشد نیست؛ بلکه مسئله این است که افراد با چه کیفیتی زندگی خواهند کرد.

آقای پیوندی می‌گوید: «امروز مردم به کیفیت زندگی هم نگاه می‌کنند. یعنی می‌گویند این بچه‌ای که من قرار است به دنیا بیاورم، از چه شرایط زیستی برخوردار خواهد بود و چه تأثیری بر زیست من می‌گذارد یا بر زیست زوج می‌گذارد».

او می‌افزاید: «ما یک کشور بدون آینده و معلق هستیم، بدون افق امید. برای همین هم این ناامیدی و بدون افق بودن جامعه می‌تواند روی بچه‌دار شدن خیلی تأثیر منفی داشته باشد، برای این‌که مردم نمی‌خواهند بچه‌شان را برای آینده نامعلومی به دنیا بیاورند. ما در زمینه کیفیت زندگی حال و این‌که چه آینده‌ای برای یک زندگی باکیفیت می‌تواند متصور باشیم دچار مشکلات جدی هستیم و به خاطر همین هم خیلی از زوجها تصمیم می‌گیرند که بچه‌دار نشوند».

در مجموع، به گفته کارشناسان، تا زمانی که جوانان چشم‌انداز روشنی از آینده، امنیت اقتصادی و امکان برخورداری از یک زندگی باکیفیت نداشته باشند و زنان نیز احساس نکنند که ازدواج و فرزندآوری به قیمت از دست دادن استقلال و فرصت‌های زندگی‌شان تمام می‌شود، سیاست‌ها و تبلیغات حکومتی نه تنها به افزایش ازدواج و فرزندآوری منجر نخواهد شد، بلکه نتیجه معکوس خواهد داشت.

این مطلب بخشی از:

به من بگو

فراتر از خبر

بایگانی

اجتماعی